



سال نهم / تابستان ۱۳۹۹

## ثروت فرهنگی؛ مکملی برای نظریه سرمایه فرهنگی در جوامع چند فرهنگی

• سحر فائق<sup>۱</sup>

• بهمن باینگانی<sup>۲</sup>

DOI: [20.1001.1.38552322.1399.9.35.3.9](https://doi.org/10.1001.1.38552322.1399.9.35.3.9)

### چکیده

مفهوم سرمایه فرهنگی در چند دهه اخیر در جامعه‌شناسی ایران با اقبال زیادی مواجه شده است. این مفهوم نخستین بار از سوی جامعه‌شناس فرانسوی، پی‌یر بوردیو مطرح شد و هدف از آن تبیین ناکامی‌های دانش‌آموزان طبقات پایین در مدرسه بود. این مفهوم از زمان طرح تاکنون در حوزه‌های مختلفی مانند قشربندی و فرهنگ اهمیت زیادی پیدا کرده و تحقیقات تجربی بسیاری راجع به آن انجام شده است؛ در عین حال مفهوم فوق، به‌ویژه از سوی نظریه‌پردازان نژادی-انتقادی در بوته نقد قرار گرفته است. در این مقاله، ضمن بررسی مفهوم سرمایه فرهنگی، با بررسی متون موجود در این زمینه، به بررسی مهم‌ترین انتقادات مطرح شده از آن و معرفی مدل ثروت‌های فرهنگی به‌عنوان مکمل و جایگزینی برای آن خواهیم پرداخت. هدف غایی مقاله حاضر معرفی، بررسی و توضیح اجزاء مدل ثروت فرهنگی است که عبارت‌اند از سرمایه آرمانی، سرمایه خانوادگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه زبانی، سرمایه مقاومتی و سرمایه جهت‌یابی. ادعای نظری مقاله حاضر این است که مفهوم ثروت فرهنگی، از سویی موجب ایجاد نگاهی جدید به اقلیت‌ها و فرودستان خواهد شد و به شناخت و برنامه‌ریزی درباره مسائل مختلف آن‌ها کمک بسیاری خواهد کرد و از سوی دیگر طرح این مفهوم می‌تواند به لحاظ تجربی، زمینه‌ساز تحقیقات و مطالعات تجربی بسیاری شود.

**واژگان کلیدی:** سرمایه فرهنگی، ثروت‌های فرهنگی، پی‌یر بوردیو، نظریه نژادی-انتقادی، تارا جی. یوسو، جوامع چند فرهنگی

۱ دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. s.faeghi@gmail.com

۲ گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گلستان، ایران.

bahman.bayangani@gmail.com

## مقدمه

در فلسفه علم نوکانتی هاینریش ریکرت، مفهوم‌سازی جانمایه اصلی فعالیت علمی و تنها راه مقابله با واقعیت نامتناهی است. در فلسفه علم وبر نیز مفاهیم علمی تلاشی برای غلبه عقلی بر آشوبناکی واقعیت و تحمیل نظم تحلیلی بدان محسوب می‌شود. قدرت و ضعف نظریه‌ها در توضیح واقعیت‌ها، موکول به توانمندی یا ناکارایی مفاهیم آنهاست. مفهوم‌سازی، حلقه اتصال میان مشاهدات و تجربه‌ها با نظریه‌پردازی است. بنابراین تمامی تحلیل‌های اجتماعی بر مبنای مفاهیم جمعی امکان‌پذیر می‌شوند (چاوشیان، ۱۳۸۱). یکی از این مفاهیم و نظریه‌ها که در علوم اجتماعی در چند دهه اخیر با اقبال بی‌نظیری مواجه بوده است، مفهوم سرمایه است. در این باره پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی معتقد است اگر درصدد فهم جهان اجتماعی هستیم باید ایده سرمایه، انباشت آن و تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم (بوردیو، ۱۳۸۴).

بحث راجع به سرمایه، تاریخی طولانی دارد و از اواسط قرن هیجدهم به بعد، محققان به‌طور مفصل درباره ماهیت، علل و پیامدهای سرمایه مطلب نوشته‌اند. کارل مارکس، آدام اسمیت و جان استوارت میل سه تن از متفکرانی هستند که برای اولین بار به مفهوم سرمایه پرداخته‌اند و در تصور آنها، سرمایه مادی و ملموس است (استور برگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ ۴۷). اما، از چند دهه قبل تغییری انقلابی در مفهوم سرمایه به وجود آمده و مفهوم سرمایه‌های جدید مطرح شده است. از این رو، این مفهوم گسترش فراوانی پیدا کرده و به بسیاری از عرصه‌های زندگی اجتماعی وارد شده است (همان، ۴۰۹).

از میان سرمایه‌های جدید نیز، سرمایه فرهنگی نقش تبیینی مهمی در تحقیقات نظری و تجربی چند دهه اخیر ایفا کرده است. این تصور از سرمایه بیش از همه با نام پی‌یر بوردیو پیوند خورده است. بوردیو در این باره معتقد است که ساختار طبقاتی جوامع پیشرفته را تنها اقتصاد تعیین نمی‌کند، بلکه علاوه بر اقتصاد یا سرمایه اقتصادی می‌بایست سرمایه فرهنگی را نیز مدنظر قرارداد (فاضلی، ۱۳۸۲). منظور از سرمایه فرهنگی ارزشی است که به واسطه ذات‌های متعالی، الگوهای مصرف، خصایل، مهارت‌ها و جوایز به افراد داده می‌شود. برای مثال در حوزه آموزش، مدرک دانشگاهی سرمایه فرهنگی ایجاد می‌کند (به نقل از هوانگ، ۲۰۱۹: ۴۵). مفهوم سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو، همانند سایر اشکال سرمایه قابل پس‌انداز، انتقال، سرمایه‌گذاری

و مورد استفاده برای کسب سایر منابع است (ساراسینو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۲)؛ لکن سرمایه فرهنگی، در این اواخر، به خاطر تأکید آن بر طبقه متوسط و سفیدپوستان، و نادیده گرفتن اقلیت‌ها و فرودستان و نیز بی‌توجهی‌ای بوردیو به تنوع و تکثر فرهنگی، و همچنین نادیده گرفتن منابع و مواریث فرهنگی، به خاطر نگاه نخبه‌گرایانه وی مورد نقد تفسیر ناقص قرار گرفته و مفهوم ثروت‌های فرهنگی از سوی تارا جی. یوسو، استاد آموزش دانشگاه کالیفرنیا ابداع شده است. منظور یوسو از ثروت‌های فرهنگی مجموعه دانش، مهارت‌ها و ارتباطاتی است که اجتماعات رنگین‌پوست در اختیار دارند و برای بقا و مقاومت در برابر آشکال خرد و کلان سرکوب مورد استفاده قرار می‌دهند (یوسو، ۲۰۰۵). در ادامه به تفصیل مفهوم سرمایه فرهنگی را از نظر بوردیو مطرح خواهیم کرد، سپس نقش آن را در تحقیقات داخلی و خارجی تشریح می‌کنیم و در نهایت انتقادات وارده به آن را مطرح می‌کنیم. این فرایند، زمینه را برای ورد به بحث بعدی، یعنی ثروت‌های فرهنگی فراهم خواهد کرد. به عبارت دقیق‌تر مهم‌ترین اهداف مقاله حاضر به قرار زیر است:

- بررسی تاریخچه مفهوم سرمایه فرهنگی
- شناسایی اهمیت تجربی و نظری مفهوم سرمایه فرهنگی
- بررسی مهم‌ترین انتقادهای وارده بر مفهوم سرمایه فرهنگی
- معرفی مدل ثروت‌های فرهنگی و اجزاء آن به‌عنوان مکملی جهت رفع تفاسیر ناقص بوردیو از مفهوم سرمایه فرهنگی

### سرمایه فرهنگی؛ تبار و پیشینه

اگرچه نظریه‌پردازان مختلفی مثل بونی اریکسون، لامونت<sup>۲</sup> و لاریو<sup>۳</sup>، پل دیماجیو<sup>۴</sup>، دیوید تراسبی<sup>۵</sup>، هایس<sup>۶</sup>، آشافنبرگ<sup>۷</sup> و ماس<sup>۸</sup> و دومایس<sup>۹</sup> به مفهوم سرمایه فرهنگی پرداخته و تعاریف مختلفی از آن ارائه داده‌اند (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹)، اما این پی‌یر بوردیو است که نخستین

1 Saraceno

2 Lamount

3 Lareau

4 Paul Dimaggio

5 David Throsby

6 Hayes

7 Aschavonberg

8 Muss

9 Dumais

بار این مفهوم را در دهه ۶۰ میلادی مطرح کرده است. دغدغه‌ی اصلی پی‌یر بوردیو در طرح این مسأله این است که نشان دهد برای تبیین نابرابری‌های آموزشی تنها استفاده از سرمایه اقتصادی کافی نیست، بلکه بیشتر از عوامل اقتصادی، عادت‌واره‌های فرهنگی و خصلت‌های به ارث برده شده از خانواده هستند که نقش بسیار مهمی در موفقیت‌های مدرسه دارند (بوردیو و پسران<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹؛ ۱۴).

مفهوم سرمایه فرهنگی در بسیاری از آثار بوردیو جایگاه مهمی دارد تا جایی که از وی در محافل جامعه‌شناختی تحت عنوان «سرمایه فرهنگی» یاد می‌شود (گرنفل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). برای مثال، وی در مقاله آشکال سرمایه (۱۳۸۴)، این مفهوم را پرورش داده و در کنار سرمایه اقتصادی و اجتماعی آن را به کار می‌برد. در این مقاله وی آورده است که جایگاه فرد در جهان اجتماعی بیش از همه از طریق سرمایه‌های که در اختیار دارد تعیین می‌شود و سرمایه نیز بسته به میدانی که در آن عمل می‌کند و به بهای کمابیش تغییر شکل‌های گران‌تری که پیش-شرط کارایی آن در میدان مورد بحث هستند به سه شکل اساسی ظاهر می‌شود: ۱) سرمایه اقتصادی، که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآمد؛ ۲) سرمایه فرهنگی که بعضی شروط قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی درآمد و ۳) سرمایه اجتماعی که ساخته شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) است و در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و چه بسا به شکل اصالت و اشرافیت درآمد.

در کتاب مهم تمایز؛ نقش اجتماعی داوری (۱۳۹۰) نیز بوردیو تلاش دارد تا از طریق دو مفهوم سرمایه فرهنگی و اقتصادی و حجم و ترکیب آن‌ها، ساختار طبقاتی جامعه فرانسه را تحلیل کند. بوردیو در این کتاب طبقات را براساس حجم و ترکیب کلی سرمایه (اقتصادی و فرهنگی) که افراد یا خانواده‌ها در اختیار دارند، از هم متمایز می‌کند. درون طبقات نیز، «خرده طبقات»<sup>۳</sup> براساس ترکیب سرمایه‌ای که در اختیار دارند- یا به عبارت دیگر، براساس میزان سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی- از هم متمایز می‌شوند. بوردیو در کتاب تمایز، با بهره‌گیری از این صورت‌بندی دوباره، ترجیحات و کردارهای زیبایی‌شناختی طبقات و خرده طبقات موجود در ساختار اجتماعی فرانسه را، مخصوصاً با تمرکز بر وجود یا نبود ذائقه و سلیقه آشکال هنری

1 Bourdieu and Passeron

2 Grenfell

3 Class fractions

«والا» (نقاشی، موسیقی، ادبیات، تئاتر و غیره) تحلیل می‌کند. مفهوم سرمایه فرهنگی در کتاب نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی (۱۳۸۱)، که تئوری وی درباره کنش در آن صورت‌بندی شده است نیز نقش مهمی دارد. علاوه بر این در کتاب‌های بازتولید: عناصری برای نظریه نظام آموزشی (۱۹۷۰) و وارثان، دانشجویان و فرهنگ (۱۹۶۴)، نیز مفهوم سرمایه فرهنگی در مقوله بازتولید فرهنگی از نظر بورديو دارای جایگاه ویژه‌ای است. براساس نظریه بازتولید فرهنگی بورديو، بچه‌های خانواده‌های طبقات متوسط به خاطر داشتن سرمایه فرهنگی، در کسب مدارک آموزشی احتمال موفقیت بیشتری دارند (جنکینز، ۱۳۸۵) بنابراین نهاد آموزش به‌جای ترجیح دادن استعدادهای فردی و پی‌ریزی نوعی شایسته‌سالاری، از طریق اتصال‌های مخفی میان استعداد تحصیلی و میراث فرهنگی، قسمی اشرافیت فرهنگی را تدارک می‌بیند (بورديو، ۱۳۸۱). بنابراین برخلاف نظرات آلکسی توکویل<sup>۲</sup> مدرسه نه‌تنها یکی از ابزارهای مهم تحقق برابری نیست، بلکه در بازتولید آن‌ها نیز دست دارد و جای شگفتی نیست که در دانشگاه، «وارثان»، یعنی دانشجویان دارای خاستگاه بورژوازی، خیلی بیشتر از بورسیه‌ها، که خاستگاه اجتماعی پایین‌تری دارند، مشغول به تحصیل هستند (بون ویتز، ۱۳۸۹).

از نظر بورديو منابع فرهنگی شامل انواع گوناگونی از کالاهای نمادین از قبیل زبان، ادب و نزاکت، ذوق و سلیقه، معرفت و مهارت است و این منابع فرهنگی را هنگامی می‌توان «سرمایه» قلمداد کرد که - همانند منابع اقتصادی - بتوان آن‌ها را برای کسب «سود» فرهنگی به کاربرد، سودی که قابل انباشت است و می‌توان آن را به سایر اشکال سرمایه تبدیل کرد (لوپز؛ ۱۳۸۵: ۱۳۶، به نقل از خدری، ۱۳۸۸: ۴۲). در باب تعریف مفهوم سرمایه فرهنگی از نظر پیر بورديو، ذکر این نکته مهم است که کار بورديو در حوزه سرمایه فرهنگی را می‌توان مکمل کار برنشتاین<sup>۳</sup> تصور کرد، زیرا هر دو می‌کوشند تا در آثار خود دیدگاه‌های مارکس و دورکیم را به هم دیگر پیوند بزنند. به اعتقاد آن‌ها، منبع نابرابری در جامعه بیشتر ماهیت فرهنگی دارد تا اقتصادی و فاصله‌ی بین فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی کودک، عامل مهمی در تعیین موفقیت کودک در نظام آموزشی محسوب می‌شود، اما برنشتاین بیشتر به موضوع قدرت و شیوه‌های انتقال آن توجه دارد و بورديو بیشتر به شرایط ساختاری که انتقال قدرت در چارچوب آن صورت می‌گیرد (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱). همین امر باعث می‌شود که وی

1 Highbrow

2 Alexis de Tocqueville

3 Bernstein

برخلاف دور‌کیم و رویکرد مردم‌شناسانه، دیدگاهی نخبه‌گرایانه در مورد فرهنگ داشته باشد، و در انجام این کار، از تصور سنتی جامعه‌شناختی درباره فرهنگ، که به فرهنگ به‌مثابه مجموعه از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، یا به‌عنوان ابزارِ بازنمود جمعی می‌نگریستند، فاصله بگیرد (وینینگر و لیروا، ۱۳۹۳)، به‌طوری‌که افرادی مثل بروادی<sup>۱</sup>، گرنفل<sup>۲</sup> و الگندندر معتقدند که تعریف فرهنگ از نظر بورديو کلاسیک و تعریفی آرنولدی از فرهنگ است، یعنی فرهنگ به معنای «فرهنگ والا» (لیزاردو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). این رویکرد نخبه‌گرایانه در مورد فرهنگ، بیش از هر جای دیگری در تعریف سرمایه فرهنگی آشکار می‌شود؛ جایی که وی در تعریف سرمایه فرهنگی می‌گوید سرمایه فرهنگی یعنی شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه‌ی خوب و شیوه‌های عمل متناسب (فاضلی، ۱۳۸۲).

در این رویکرد، سرمایه فرهنگی به‌عنوان صلاحیت در فرهنگ پایگاه‌ها، ایده‌ها و گرایش‌ها تعریف می‌شود و اغلب یک مکانیزم مهم در بازتولید سلسله‌مراتب اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (روح‌الامینی، ۱۳۷۴؛ ۱۱۱). بنابراین سرمایه فرهنگی شامل «سلیقه‌های خوب، شیوه و راه و رسم پسندیده، پیچیدگی شناختی و شناختن و توانایی پذیرش محصولات مشروع از قبیل هنر، موسیقی کلاسیک، تئاتر و ادبیات و تسلط یافتن بر هر نوع از نظام نمادین است» (فاضلی، ۱۳۸۲؛ ۳۸). علاوه بر این به اعتقاد بورديو داشتن سرمایه فرهنگی کارکردهای مختلفی دارد: اولاً کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها، منوط به تبدیل‌شدن آن‌ها به سرمایه فرهنگی است. کسی که به‌واسطه سرمایه فرهنگی منزلت دارد، می‌تواند روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند، ثانیاً داشتن سرمایه فرهنگی بدین معنا است که فرد می‌تواند خود را از الزامات زندگی روزمره جدا کند و نوعی گزینش دلخواه در عرصه‌ی فرهنگ انجام دهد. به بیان خود بورديو «زیبایی‌شناسی محض» از اخلاق یا همان خلق‌وخوی فاصله گرفتن گزینشی از الزامات طبیعی و اجتماعی نشأت می‌گیرد (همان، ۳۸).

بورديو در توضیح بیشتر سرمایه فرهنگی معتقد است که این مفهوم دارای سه بعد است. در حالت متجسد<sup>۴</sup>، یعنی به شکل خصائل دیرپای فکری و جسمی؛ در حالت عینیت‌یافته<sup>۵</sup>، به شکل کالاهای فرهنگی (تصاویر، کتاب‌ها، لغت‌نامه‌ها، ادوات، ماشین‌آلات و غیره) که ردپا یا

1 Broady

2 Gernfell

3 Lizardo

4 Embodied

5 Objectified

تحقق نظریه‌ها یا نقد این نظریه‌ها و غیره است؛ و بالاخره، در حالت نهادینه‌شده، یعنی شکلی از عینیت یافتگی که باید حسابش را جدا کرد، زیرا خواص اصلی خود را یکسره به سرمایه فرهنگی که، بنا به فرض ضمانت‌کننده آن است، واگذار می‌کند (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۷). به عبارت دیگر از نظر بورديو سرمایه فرهنگی همانا مجموعه‌ای از ثروت‌های نمادین است که از یک سو به معلومات کسب شده‌ای بر می‌گردد که به شکل رغبت‌های پایدار ارگانیک حالت درونی شده به خود می‌گیرد (در فلان و بهمان زمینه دانش دست داشتن، با فرهنگ بودن، به زبان و نحو بیان تسلط داشتن، جهان اجتماعی و رمزگان آن را شناختن و خود را در این جهان آشنا دیدن...); از سوی دیگر، به صورت موفقیت‌های مادی، سرمایه به حالت عینیت یافته، میراث فرهنگی به شکل اموال (تابلوها، کتاب‌ها، واژه‌نامه‌ها، ابزارها، ماشین‌ها و...) جلوه می‌کند؛ و سرانجام سرمایه فرهنگی می‌تواند به حالت نهادینه‌شده در جامعه به صورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و غیره وجود داشته باشد که به استعداد فرد عینیت می‌بخشد (شویره و فونتین، ۱۳۸۵: ۹۷).

### اهمیت نظری و تجربی سرمایه فرهنگی

به لحاظ نظری استدلال‌های بورديو درباره سرمایه فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا این استدلال‌ها، دیدگاه متعارف آموزش و پرورش مدرن، که نیروی محرکه ارتقاء یا تنزل افراد در ساختار طبقاتی را تنها استعداد و تلاش‌های فردی می‌داند، با سروصدای زیاد به چالش کشید. در عین حال سرمایه فرهنگی، تأثیر چشمگیری بر جامعه‌شناسی نهاده است، زیرا این مفهوم را در مرکز تحقیقات راجع به قشر بندی اجتماعی قرار داده است. به لحاظ تجربی نیز از زمان مطالعه نظام آموزشی فرانسه توسط بورديو، همان طور که انتظار می‌رفت، در حوزه مطالعات آموزشی است که بیش از هر حوزه دیگری مفهوم سرمایه فرهنگی، حجم عظیمی از تحقیقات تجربی و تأملات نظری را پدید آورده و بیشترین بحث و مشاجره را موجب شده است. همچنین مطالعات تجربی نشان داده است که مفهوم سرمایه فرهنگی در مطالعه انتخاب‌ها و ذائقه‌های زیبایی‌شناختی افراد نقش بسیار تبیین‌کننده‌ای دارد (وینینگر و لیروا، ۱۳۹۳). در داخل ایران نیز از دهه هشتاد مفهوم سرمایه فرهنگی وارد تحقیقات جامعه‌شناختی و مدیریت شده است و نقش تبیین‌کنندگی آن بر هویت، موفقیت تحصیلی، مدیریت بدن، رفتار مصرف‌کننده و... در تحقیقات تجربی بررسی شده است.

## نقد نظریه سرمایه فرهنگی

همزمان با رواج مفهوم سرمایه فرهنگی در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی انگلیسی‌زبان، این مفهوم مورد انتقادهای بسیاری نیز قرار گرفته است. برای مثال، ژيرو<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) معتقد است اگر فرهنگ در ابتدای امر همچون نوعی سرمایه تلقی شود، اهمیت نقش آن در امکان مقاومت علیه سلطه، برای افراد دارای موقعیت فرودست از بین می‌رود. به همین ترتیب، لامونت (۱۹۹۲) نیز بر این مسأله تأکید کرده است که صورت‌بندی فرهنگ بدین شیوه مانع از تشخیص این نکته از سوی جامعه‌شناسان می‌شود که فرهنگ شامل امکاناتی است که کنشگران از آن برای ارزیابی کیفیت اخلاقی تجارب شخصی خود و دیگران استفاده می‌کنند (وینینگر و لیروا، ۱۳۹۳). پترسون و همکارانش (پترسون و کرن<sup>۲</sup> ۱۹۹۶، پترسون و سیمکس<sup>۳</sup> ۱۹۹۲) نیز گزارش داده‌اند که نخبگان ایالات‌متحده آمریکا در زمینه ذائقه فرهنگی، به‌جای آنکه «تشخص مآب<sup>۴</sup>» باشند، «التقاطی<sup>۵</sup>» عمل می‌کنند. بنابراین، انتظار آن است کسانی که ادعای منزلت دارند، این توانایی را داشته باشند که نمونه‌های ناب هر ژانر را براساس معیارهای قضاوتی مربوط به آن تشخیص دهند. علی‌رغم این واقعیت که این نتایج اساساً با توصیفاتى که بورديو درباره سبک زندگی در کشور فرانسه ارائه داده است، متفاوت است، لکن این جهت‌گیری «جهان‌وطن» آشکارا مشروط به شاخص‌های طبقه اجتماعی مثل آموزش است و بنابراین مستعد عمل به‌عنوان شکلی از سرمایه فرهنگی است. درواقع پترسون (۱۹۹۲) عنوان «سرمایه چند فرهنگی<sup>۶</sup>» را به آن داده است (وینینگر و لیروا، ۱۳۹۳). جان گلدتروپ نیز مفهوم سرمایه فرهنگی بورديو را نقد کرده و معتقد است تحقیقات بیشتر نشان داده که حتی در میان طبقات بسیار محروم، که دسترسی اندکی به فرهنگ والا دارند، نیز ممکن است ارزش‌های حامی آموزش رواج پیدا کند و شاید برخی منابع فرهنگی ارزشمند و مرتبط وجود داشته باشد، زیرا مدارس و سایر مؤسسات آموزشی ممکن است به‌مثابه کارگزاران مهم بااجتماعی شدن عمل کنند و مکمل، جبران‌کننده یا عامل انتقال سرمایه فرهنگی باشند (گلدتروپ، ۲۰۰۷). و اما مهم‌ترین انتقاد از سرمایه فرهنگی را نظریه‌پردازان نژادی - انتقادی مطرح کرده‌اند. نظریه نژادی-انتقادی برای نخستین بار در سال ۱۹۹۴ به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای ارزیابی نابرابری در آموزش بکار رفت

1 Giroux

2 Peterson and Kern

3 Peterson and Simkus

4 Snobs

5 Omnivores

6 Multi-cultural capital



(هیرالدو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰) و یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان نژادی-انتقادی در زمینه نقد تفاسیر ناقص پی‌یر بوردیو، تارا. جی. یوسو<sup>۲</sup> است. به اعتقاد وی اگرچه بوردیو به دنبال نقد ساختاری بازتولید فرهنگی و اجتماعی است، اما نظریه سرمایه فرهنگی وی بر این امر دلالت دارد که برخی از اجتماعات به لحاظ فرهنگی ثروتمندند درحالی‌که سایرین به لحاظ فرهنگی فقیرند. در این تفسیر، بوردیو فرهنگ طبقه متوسط و سفیدپوست را به‌عنوان معیار و ملاک در نظر می‌گیرد و سایر اشکال و نمودهای «فرهنگ» براساس این هنجار مورد قضاوت قرار می‌گیرند. به‌عبارت‌دیگر، سرمایه فرهنگی تنها میراث یا سرمایه طبقه متوسط نیست بلکه بر انباشت اشکال خاصی از دانش، مهارت‌ها و توانایی‌ها دلالت دارد که توسط گروه‌های حاکم و مسلط بر جامعه ارزش‌گذاری می‌شود. اما یوسو معتقد است که اشکالی از سرمایه فرهنگی وجود دارد که گروه‌های حاشیه‌ای از آن برخوردارند و نظریه سرمایه فرهنگی سنتی، آن‌ها را تشخیص نداده و یا ارزشمند نمی‌داند (یوسو، ۲۰۰۵). مثالی که یوسو در این باره ذکر می‌کند این است که دانش-آموزان طبقه متوسط یا بالا ممکن است در خانه کامپیوتر داشته باشند و بنابراین می‌توانند قبل از ورود به مدرسه کامپیوتر را آموخته و با واژگان تخصصی متعدد و مهارت‌های فنی مرتبط با آن آشنا شوند. این دانش‌آموزان سرمایه فرهنگی کسب کرده‌اند، زیرا واژگان مربوط به کامپیوتر و مهارت‌های فنی مرتبط با آن در محیط مدرسه ارزشمند قلمداد می‌شوند. اما در طرف مقابل، دانش‌آموزی مکزیکی تبار از طبقه کارگر که در آمریکا زندگی می‌کند و مادرش در صنعت پوشاک کار می‌کند، واژگان متعدد، احتمالاً به دو زبان (انگلیسی و اسپانیایی) را به مدرسه می‌آورد، همچنین خوانش پیغام‌های تبلیغاتی بر روی اتوبوس‌های شهری، ترجمه کردن ایمیل‌ها، جواب دادن به تماس‌های تلفنی و تهیه کوپن برای خود و مادرش را نیز انجام می‌دهد. این دانش فرهنگی برای دانش‌آموز و خانواده‌اش بسیار باارزش است اما لازم نیست که همه این سرمایه‌ها را به مدرسه انتقال دهد. یوسو برای نشان دادن تفسیر ناقص نظریه‌ی سنتی سرمایه فرهنگی بوردیو، از نظریه اولیور و شاپیرو<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) بهره گرفته است. این دو جامعه‌شناس رویکرد غالب در بررسی نابرابری درآمدی بین سیاه‌پوستان و سفیدپوستان را نقد می‌کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که برای سنجش نابرابری نژادی تنها از درآمد استفاده می‌شود و براساس این شاخص نتیجه می‌گیرند که با گذشت زمان نابرابری نژادی بین سیاه‌وسفید پوست کاهش یافته است. درحالی‌که به اعتقاد اولیور و شاپیرو، این شاخص ناقص است چون تنها درآمد را لحاظ

---

1 Hiraldo

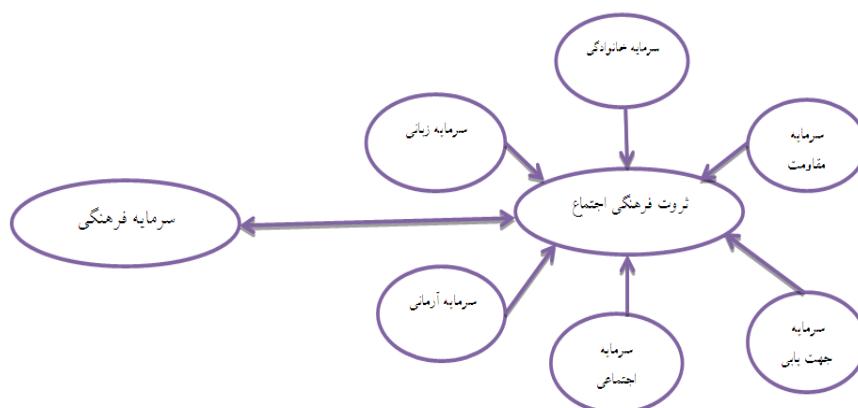
2 Tara. J. Yosso

3 Oliver and Shapiro

می‌کند و سایر موارد را نادیده می‌گیرد. اولیور و شاپیرو در مقابل، مفهوم و شاخص ثروت را بکار می‌برند و آن را میزان کلی سرمایه و دارایی‌هایی می‌دانند (مثل مالکیت سهام، سرمایه بانکی، مالکیت تجاری، املاک واقعی و...) که افراد جمع کرده‌اند. بنابراین روی هم رفته آن‌ها معتقدند که اگرچه ممکن است درآمد سیاهان بالا رفته باشد، اما مجموع ثروت سیاهان، در مقایسه با سفیدپوستان کاهش یافته است و در نتیجه این شکاف عمیق‌تر شده است (اولیور و شاپیرو، ۱۹۹۷). بر همین قیاس یوسو نیز معتقد است سرمایه فرهنگی تنها یکی از ابعاد ثروت‌های فرهنگی است، و سایر ابعاد را هم باید در نظر گرفت (یوسو، ۲۰۰۵).

### سرمایه فرهنگی به مثابه یکی از ابعاد ثروت فرهنگی

یکی از نکات مهم راجع به نظریه نژادی انتقادی، تغییر توجه از مفاهیم مربوط به فرهنگ طبقه متوسط و سفیدپوستان به فرهنگ‌های مربوط به اجتماعات رنگین‌پوست است. یوسو نیز براساس انتقاداتی که به مفهوم سنتی سرمایه فرهنگی وارد می‌کند، مدلی مکمل تحت عنوان ثروت‌های فرهنگی ارائه می‌دهد. وی در تعریفی از ثروت‌های فرهنگی، آن را مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها و ارتباطاتی می‌داند که اجتماعات رنگین‌پوست در اختیار دارند و برای بقا و مقاومت در برابر آشکال خرد و کلان سرکوب مورد استفاده قرار می‌دهند (یوسو، ۲۰۰۵: ۷۷). در حقیقت یوسو به جای سرمایه فرهنگی تک‌بعدی و مبتنی بر فرهنگ والا، مدلی ارائه می‌دهد که دارای شش نوع سرمایه است و معتقد است که جوامع رنگین‌پوست، ثروت فرهنگی را در شش نوع از سرمایه شامل سرمایه آرمانی، سرمایه زبان‌شناختی، سرمایه خانوادگی، سرمایه جهت‌یابی، سرمایه اجتماعی و سرمایه مقاومت پرورش می‌دهند (مدل ۱).



مدل (۱): ثروت فرهنگی اجتماع (منبع: یوسو، ۲۰۰۵)

همان‌طور که مشاهده می‌شود مدل فوق دارای شش مؤلفه است که توضیح آن‌ها از نظر یوسو و دیگران به صورت خلاصه به قرار زیر است:

۱) سرمایه آرمانی: سرمایه آرمانی به توانایی ایجاد و حفظ امیدها و رؤیایا درباره آینده، حتی در مواجهه با موانع واقعی و ادراک شده اشاره دارد. این انعطاف‌پذیری در افرادی مشاهده می‌شود که به خود و فرزندانشان اجازه می‌دهند که رؤیاهایی فراسوی شرایط فعلی زندگی‌شان داشته باشند، درحالی‌که اغلب توانایی رسیدن به آن‌ها را ندارند. سرمایه آرمانی (امیال و آرزوها) در شرایط خانوادگی و اجتماعی و اغلب از طریق داستان‌ها و نصیحت‌هایی راجع به مبارزه علیه شرایط سخت شکل می‌گیرد. این شکل از ثروت‌های فرهنگی از کار پاتریشیا گاندارا<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۲، ۱۹۹۵) گرفته شده که نشان داده‌اند مکزیکی‌ها در مقایسه با سایر گروه‌ها در ایالات متحده آمریکا دستاوردهای تحصیلی پایین‌تری کسب کرده‌اند، اما همواره آرزوهای زیادی درباره آینده بچه‌هایشان داشته‌اند (یوسو، ۲۰۰۵: ۷۸).

۲) سرمایه زبانی: از نظر بورديو سرمایه زبانی بخشی از سرمایه فرهنگی است که در سطح فردی عمل می‌کند. به طوری که لهجه‌ها یا گویش‌ها شکلی از سرمایه را نشان می‌دهند که برای کسانی که به آن لهجه یا گویش سخن می‌گویند، منافع خاصی به بار می‌آورد (بورديو، ۱۳۸۱). یوسو نیز معتقد است که سرمایه زبانی شامل آن دسته از مهارت‌های فکری و اجتماعی است که از طریق تجارب ارتباطی به بیش از یک‌زبان یا شیوه به دست می‌آید. این آشنایی با بیش از یک‌زبان، باعث می‌شود که کودکان رنگین‌پوست هنگام ورود به مدرسه مهارت‌های ارتباطی و زبانی متعددی داشته باشند و این یعنی در بسیاری از سنت‌های فرهنگی مثل تاریخ شفاهی، داستان‌ها، تمثیل‌ها، نمایش‌ها، ضرب‌المثل‌ها و غیره مشارکت داشته‌اند. سرمایه زبانی حاصل ۳۵ سال تحقیق درباره ارزش آموزش دوزبانه و ارتباطات بین تاریخ فرهنگی نژادپرستانه و زبان است. علاوه بر این، سرمایه زبانی به توانایی برقراری ارتباط از طریق هنرهای تجسمی، بصری، هنر، موسیقی یا شعر نیز دلالت دارد. برای مثال، اورلانا<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) کودکان دوزبانه‌ای را مطالعه کرد که اغلب از آن‌ها درخواست شده بود که مترجم والدین یا سایر بزرگسالان باشند. وی به این نتیجه رسید که این جوانان ابزارهای مختلف اجتماعی مثل «گسترش دامنه لغات، آگاهی نسبت به مخاطبان، آگاهی به موضوعات میان فرهنگی، مهارت‌های سواد محور دنیای واقعی،

1 Patricia Gándara

2 Orellana

ریاضیات، آگاهی‌های فرازبانی، مهارت‌های تدریس و آموزش، مسئولیت‌پذیری‌های مدنی و خانوادگی و بلوغ اجتماعی را کسب می‌کنند» (یوسو، ۲۰۰۵: ۹-۷۸).

۳) سرمایه خانوادگی: مفهوم سرمایه خانوادگی بسط یافته سرمایه اجتماعی است و این مفهوم در متون نظری و تجربی موجود به شکل سرمایه خانوادگی و سرمایه اجتماعی خانوادگی بکار رفته است (ویلیامز و داوسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). یوسو، در مدل ثروت‌های فرهنگی، سرمایه خانوادگی را به معنای نوعی دانش فرهنگی به کار می‌برد که در میان خانواده (خویشاوندان) رواج دارد و دربردارنده معناهایی درباره تاریخ، خاطره و بینش فرهنگی اجتماع است. این شکل از ثروت فرهنگی متضمن تعهد به رفاه اجتماع است و مفهوم خانواده را بسیار فراتر از تصور خویشاوندی گسترش می‌دهد و در نتیجه نه تنها به ایجاد مرزبندی نمی‌انجامد، بلکه آن را در راستای اهداف جامعه قرار داده و به انسجام اجتماعی کمک می‌کند. به عبارت دیگر، یوسو در مفهوم سرمایه خانوادگی با تأیید استنباط‌های نژادپرستانه، طبقه‌محور و ناهمجنس‌خواهانه‌ای که در فهم سنتی از «خانواده» وجود دارد، مفهوم «خانواده گسترش‌یافته»<sup>۲</sup> را ترویج می‌دهد که می‌تواند شامل اعضاء درجه اول خانواده و نیز عموها، دایی‌ها، پدربزرگ‌ها، و دوستانی باشد که فرد ممکن است آن‌ها را بخشی از خانواده خود بداند. از این پیوندهای خویشاوندی، به اهمیت حفظ نوعی ارتباط سالم در اجتماع و اجزاء آن پی می‌بریم. پیوندهای خویشاوندی در عین حال آموزش‌هایی درباره مراقبت، مقاومت و مدیریت ارائه می‌دهند که به توسعه آگاهی-های عاطفی، اخلاقی، آموزشی و شغلی کمک می‌کند. این آگاهی می‌تواند درون و میان خانواده‌ها، و نیز از طریق ورزش، مدرسه، تجمعات دینی و سایر مناسبات اجتماعی دیگر تقویت شود. هنگامی که خانواده‌ها حول موضوعات مشترکی با هم ارتباط پیدا می‌کنند، انزوا و گوشه‌نشینی به حداقل می‌رسد و خانواده‌ها متوجه می‌شوند که در رسیدگی به مشکلاتشان تنها نیستند. این شکل از ثروت‌های فرهنگی متأثر از محققانی است که پیوندهای اجتماعی<sup>۳</sup> را در اجتماعات آمریکایی آفریقایی‌تبار (فولی<sup>۴</sup> ۱۹۹۷، موریس<sup>۵</sup> ۱۹۹۹)، سرمایه‌های دانش<sup>۶</sup> را در اجتماعات آمریکایی مکزیکی تبار (مول و دیگران<sup>۷</sup> ۱۹۹۲، ولز ایبانز و گرینبرگ<sup>۱</sup> ۱۹۹۲، گونزالز

1 Williams & Dawson

2 Extended family

3 Communal bonds

4 Foley

5 Morris

6 Funds of knowledge

7 Moll et al.

و دیگران<sup>۲</sup> ۱۹۹۵، اولمدو<sup>۳</sup> ۱۹۹۷؛ رویدا و دیگران<sup>۴</sup> ۲۰۰۴، و پداگوژی خانه<sup>۵</sup> را، که دانش-آموزان رنگین پوست با خود به محیط‌های کلاسی می‌آورند (دیلگادو برنال<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲)، مطالعه کرد (یوسو، ۲۰۰۵: ۷۹). همسو با نظرات یوسو مطالعات جدید انجام شده روی نسل اولی که برخلاف تحصیلات پایین والدینشان، تحصیلات دانشگاهی را تجربه می‌کنند، نشان داده است که اگرچه این افراد معمولاً با چالش‌های خاصی مواجه می‌شوند، اما روی هم رفته خانواده و سرمایه خانوادگی نقش مهمی در موفقیت آن‌ها دارد (گافن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹: ۱۰۴).

در تکمیل بحث شایان ذکر است که جیمز کلمن<sup>۸</sup> نیز بر اهمیت سرمایه اجتماعی خانواده‌ها، به‌عنوان منبع و عاملی مهم در موفقیت تحصیلی فرزندان، تأکید کرده است. روابط والدین با یکدیگر، دریافت کمک از والدین در حل مشکلات شخصی، مصاحبت و تعامل با والدین، احساس محبت کردن و صمیمیت از شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی خانواده است (دهقان و مهدی سراجیان، ۱۳۹۶: ۸). براساس دیدگاه کلمن سرمایه اجتماعی خانواده، موفقیت را آسان می‌سازد و به شیوه‌های گوناگون سبب تقویت آموزش فرد می‌شود. وجود سرمایه اجتماعی در درون خانواده به این سبب اهمیت دارد که به فرزندان در همان دوران کودکی اجازه دسترسی به سرمایه انسانی والدین را می‌دهد. سرمایه اجتماعی متفاوت خانواده‌ها، سطوح گوناگون سرمایه اجتماعی قابل دسترس را برای فرزندان ایجاد می‌کند. روابط والدین با فرزندان و والدین با یکدیگر، به‌ویژه با موفقیت تحصیلی فرزندان رابطه مستقیم دارد. سرمایه اجتماعی خانواده و روابط متقابل مثبت فرزندان و والدین، به فرزندان اجازه می‌دهد تا سرمایه مالی و انسانی موجود در محیط خانه را به سرمایه انسانی یا دیگر سرمایه‌های وابسته مرتبط که به بهبود شرایط می‌انجامد، منتقل کنند. بدون روابط دوجانبه مثبت میان والدین و فرزندان، هیچ راهی برای انتقال سرمایه مالی و انسانی به فرزندان وجود ندارد، سرمایه اجتماعی خانواده به‌ویژه با محوریت پدر و مادر که شامل حضور والدین در خانه و میزان و نوع روابط آن‌ها با فرزند است برای رشد و ایجاد انگیزه در نوجوانان و جوانان و پیشرفت آن‌ها بسیار مهم و ضروری است. به‌علاوه کلمن بر اهمیت ارتباطات درون خانوادگی تأکید می‌کند، گاهی یک رابطه احساسی بین والدین و فرزندان، بسیار

1 Vélez-Ibáñez & Greenberg

2 Gonzalez et al.

3 Olmedo

4 Rueda et al.

5 Pedagogies of the house

6 Delgado Bernal

7 Gofen

8 Coleman

مهم‌تر از این است که والدین، قدرت و تسلط بسیار زیادی روی فرزندان داشته باشد، همچنین به ارتباط نزدیک والدین با یکدیگر به‌منزله منبع سرمایه اجتماعی خانواده تأکید می‌کند. در مجموع این نوع از سرمایه در خانواده منبعی بسیار تأثیرگذار بر ابعاد گوناگون تحصیلی و شخصیتی فرزندان است. کلمن نهاد خانواده را به‌منزله یک نهاد کلیدی که از طریق آن سرمایه اجتماعی انتقال داده می‌شود، شناسایی کرده است. او معتقد است خانواده‌هایی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند، هدف از صرف کردن وقت و انرژی برای فرزندان، تربیت افرادی است که از لحاظ اجتماعی و روان‌شناختی سازگار هستند. به نظر کلمن یکی از سازوکارهایی که در درون خانواده-ها برای رسیدن به این اهداف به کار برده می‌شود ایجاد و حفظ پیوندهای عاطفی پایدار است. بنابراین بخش عظیم نتایج بی‌واسطه‌ای که از سرمایه‌گذاری خانواده نشأت می‌گیرد، پیوندهای اجتماعی است که با کنش متقابل حمایتی خانواده پدید می‌آید. کلمن بر این باور است که نسبت والدین با بچه‌ها در خانواده گسترده در قالب شبکه اجتماعی خانوادگی، تأثیری مهم روی جامعه-پذیری فرزندان دارد چراکه چنین روابطی حمایت‌ها و انگیزه‌های پیشرفت بیشتری را برای فرزندان به ارمغان می‌آورد. وی علاوه بر اهمیت ارتباط‌های درون خانوادگی، بر ارتباط‌های بیرون خانوادگی نیز تأکید دارد. رویکردهای اخیر به‌ویژه در زمینه سرمایه اجتماعی خانوادگی که جیمز کلمن منادی آن بود، در تحلیل سازوکار موفقیت تحصیلی، نکات مهمی را مطرح کرده است؛ پیوندها و شبکه‌های اجتماعی افراد به‌منزله سرمایه اجتماعی بالقوه آن‌ها به‌ویژه با سایر اعضای خانواده می‌تواند در ارائه و انتقال اطلاعات، انگیزه‌ها و آگاهی تحصیلی و همچنین انتقال ارزش-های تحصیلی سهم بسزایی داشته باشد (دهقان و مهدی سراجیان، ۱۳۹۶: ۱۴-۹).

۴) سرمایه اجتماعی: از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیر فیزیکی در دسترس افراد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده با آشنایی‌های دوجانبه و محترم هستند (به نقل از بابایی و باینگانی، ۱۳۸۹: ۸۹). یوسو نیز همسو با بوردیو، سرمایه اجتماعی را تحت عنوان شبکه افراد و منابع اجتماعی تعریف می‌کند. البته باید توجه داشت که علی‌رغم اینکه پژوهش‌های انجام شده درباره سرمایه اجتماعی اغلب بر اهمیت آن در ایجاد توسعه اقتصادی و تغییرات اجتماعی تأکید دارد، لکن سرمایه اجتماعی به‌طور بالقوه سوپه تاریکی نیز دارد و ممکن است در شرایط و اوضاع و احوال خاصی باعث محدودیت آزادی‌های فردی، تنزل سطح هنجارهای اجتماعی و طرد اجتماعی اشخاصی شود که عضو اجتماع نیستند. نتیجه این وضعیت ایجاد نوعی مرزبندی خودی و غیرخودی و

افزایش امکان خشونت و تضاد خواهد بود (آلکورتا<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۲۰). اما یوسو بیشتر بر نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت تحصیلی تأکید دارد و از نظر وی، شبکه و منابع اجتماعی و سایر ارتباطات اجتماعی حمایت‌هایی ابزاری و عاطفی برای موفقیت در نهادهای اجتماعی فراهم می‌کنند. برای مثال، ارتباطات و منابع اجتماعی ممکن است به دانشجویان در شناخت و کسب بورس دانشگاهی کمک کند. پژوهشگران معتقدند که در طول تاریخ، افراد رنگین‌پوست از سرمایه اجتماعی خود برای دریافت آموزش، عدالت حقوقی، اشتغال و مراقبت‌های بهداشتی استفاده کرده‌اند. این اجتماعات رنگین‌پوست نیز به نوبه خود، اطلاعات و منابعی را که از طریق این نهادها و مؤسسات کسب کرده‌اند به شبکه‌های اجتماعی‌شان باز می‌گردانند. جوامع همیارگرا، نمونه‌ای هستند که به لحاظ تاریخی نشان می‌دهند چگونه مهاجران به آمریکا، و در واقع آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار حتی هنگامی که برده بودند، شبکه‌های اجتماعی را ایجاد و تداوم بخشیدند. مطالعه‌ی قوم‌نگارانه کونچا دیلگادو گایتانس<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) درباره اجتماع مهاجران مکزیکی شهر ساحلی کارپینتیریا<sup>۳</sup> در کالیفرنیا بیش از پیش این امر را تأیید می‌کند که خانواده‌ها در زندگی روزانه‌شان از طریق هماهنگی با شبکه‌های اجتماعی حمایتی، بر فلاکت و بدبختی‌های زندگی فائق می‌آیند (یوسو، ۲۰۰۵: ۸۰-۷۹).

۵) سرمایه جهت‌یابی (راهبردی)<sup>۴</sup>: سرمایه جهت‌یابی از نظر یوسو، به مهارت‌های مربوط به مانوردهی در نهادهای اجتماعی اشاره دارد. به لحاظ تاریخی، این امر به آن دسته از نهادهای اجتماعی موجود ارجاع دارد که اجتماعات رنگین‌پوست را در نظر نگرفته‌اند. مثالی در این باره، توانایی دانشجویان رنگین‌پوست در حفظ سطوح بالای موفقیت، علی‌رغم حضور رویدادها و شرایط استرس‌زایی است که این دانشجویان را در معرض عدم انجام درست تکالیف و امورات مربوط دانشگاه و سرانجام ترک تحصیل قرار می‌دهد.

لونا و مارتینز<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) در مصاحبه‌های خود با برخی از دانش‌آموزان و دانشجویان لاتین‌تبار، به مطالعه مواردی از سرمایه‌ی جهت‌یابی به کار گرفته شده این افراد در راستای حفظ موفقیت و ادامه تلاش‌هایشان برای ورود به دبیرستان و دانشگاه در مناطق غیرلاتین پرداخته‌اند. مشارکت‌کنندگان در مطالعه ذکر شده به موانعی اشاره کردند که در نهایت با بهره‌مندی از

1 Alcorta

2 Concha Degado Gaitans

3 Carpinteria

4 Navigational capital

5 Luna & Martinez

سرمایه جهت‌یابی‌شان به‌طور موفقیت‌آمیزی بر آن‌ها غلبه نموده تا از دبیرستان فارغ‌التحصیل و به دانشگاه بپیوندند. برخی از آن‌ها توسط معلمان و مشاورین تشویق شده بودند تا به جای حضور در دانشگاه به ارتش بپیوندند؛ برخی دیگر به عدم وجود منابع مالی کافی برای ورود به دانشگاه اشاره کردند؛ بحران‌های اقتصادی؛ عدم آگاهی از دانشگاه؛ کمبود اعتبار مالی و عدم آشنایی با زبان انگلیسی و درنهایت عدم آشنایی با سیستم آموزشی آمریکا که توسط بسیاری از معلمان دریغ شده بود، از موانعی بودند که این دانش‌آموزان درنهایت بر آن‌ها غلبه کرده و خواستار ورود به دانشگاه بودند. فهم اینکه دانشجویان چه مسیری را باید در روند پذیرش و رفتن به دانشگاه اتخاذ کنند، نیاز به داشتن مهارت‌هایی دارد. این دانشجویان شبکه‌های اجتماعی‌شان را به‌عنوان کمک اصلی برای پیدا کردن و فهم این روند عنوان کردند. این شبکه‌ها به آن‌ها در جهت‌یابی و درک سیستم‌های دانشگاه، روند ثبت‌نام در دانشگاه، درخواست کمک مالی و پیدا کردن پشتیبانی در محوطه دانشگاه کمک می‌کرد.

در همین راستا یکی از مشارکت‌کنندگان با نام *آلفرد* عنوان کرد: «در دبیرستان به ما یاد داده بودن که اگر بخوام به دانشگاه برم چه چیزی نیاز دارم. حتی نمی‌دونستم چه کارهایی رو باید انجام بدم. نامه‌های معرفی، اینکه چه واحدهایی را باید بگیریم، امضاهایی که ممکنه نیاز داشته باشیم و اینکه چطور اون امضاها رو بگیریم و یا اینکه از کجا پشتیبانی مالی دریافت کنیم». با وجود این او و بقیه دانشجویان، راهی برای مقاومت در برابر این وضعیت پیدا کردند. یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان عنوان می‌کند: «من زمانی که دانش‌آموز سال سوم دبیرستان بودم، مشارکت در انجمن را شروع کردم و از همین طریق خیلی از مشاورها و روسای انجمن را ملاقات کردم. این اتفاق به من در فرایند رفتن به دانشگاه کمک کرد». این پژوهش نشان داد که دانشجویان لاتین‌تبار دانشگاه از ثروت فرهنگی جامعه به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد عدالت اجتماعی به میانجی پیشرفت تحصیلی استفاده می‌کردند.

همچنین تحقیق دوران و هنگیستک<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که برنامه Ascender<sup>۲</sup> بر خلق تجربیات معتبر و پروراندن سرمایه جهت‌یابی دانشجویان لاتین‌تبار در فضای دانشگاه، بخصوص در فرآیند ورود به دانشگاه نقش داشته است. تجربه مشارکت در این برنامه از این

1 Doran & Hengesteg

۲ برنامه ای با عنوان "Ascender" با فراهم آوردن حمایت‌های دانشگاهی، اجتماعی-احساسی و گروهی برای دانش‌آموزان لاتین‌تبار در نظر دارد تا تعداد دانش‌آموزانی که با موفقیت، دوره‌های آموزشی توسعه‌یابی تعریف شده را تکمیل می‌کنند، افزایش دهد و میزان ورود آن‌ها به دوره‌های چهار ساله‌ی دانشگاهی را بیشتر و بیشتر کند.



لحاظ غنی است که این دانشجویان می‌آموزند تا چگونه به شکل مناسب‌تری مسیر خودشان را در سیستم‌های پیچیده درخواست پشتیبانی مالی و فرآیندهای ورود به دانشگاه پیدا کنند؛ در عین حال این تجربه به آن‌ها کمک می‌کند تا اعتماد به نفس خویش را به‌عنوان یک دانشجوی موفق حفظ کنند.

پژوهشگران عوامل اجتماعی، خانوادگی و فردی مؤثر در شکست‌ناپذیری تحصیلی دانش‌آموزان آمریکایی مکزیک‌تبار و در حقیقت راهیابی موفقیت‌آمیز آن‌ها به نظام آموزشی را مطالعه کردند. نتایج نشان داده است که انعطاف‌پذیری، به‌عنوان مجموعه‌ای از منابع درونی، شایستگی‌های اجتماعی و استراتژی‌های فرهنگی نقش مهمی در بقاء و پیشرفت افراد در شرایط استرس‌زا ایفا می‌کند. این شکل از ثروت فرهنگی نشان می‌دهد که افراد رنگین پوست مهارت‌های راهبردی، انتقادی، روان‌شناختی و اجتماعی مختلفی را برای مانور دادن در ساختارهای نابرابر محصول نژادپرستی، به کار می‌گیرند و در عین حال که اهمیت عاملیت فردی در وضعیت محدودیت‌های ساختاری را به رسمیت می‌شناسد اما آن را به آن دسته از شبکه‌های اجتماعی پیوند می‌زند که مانوردهی اجتماع در فضاها و مکان‌هایی مانند مدرسه، بازار کار، مراقبت‌های بهداشتی و نظام قضایی را تسهیل می‌کند (یوسو، ۲۰۰۵: ۸۰).

### نتیجه‌گیری

از زمان طرح مفهوم ثروت‌های فرهنگی، این مفهوم به لحاظ تجربی یکی از مفاهیم پرکاربرد بوده و مقاله یوسو بسیار مورد ارجاع قرار گرفته است و حتی برخی از محققان مثل خیمنز<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) با افزودن ابعاد جدیدی همچون سرمایه مهاجرتی<sup>۲</sup> سعی کرده‌اند به اصلاح و تکمیل نظریه ثروت‌های فرهنگی بپردازند. نکته مهم در مورد مطالعات مربوط به ثروت‌های فرهنگی این است که بیش از همه در کشور آمریکا و در مورد رنگین‌پوستان انجام شده و در همه موارد نتایج نشان داده که برخلاف ادعای سرمایه فرهنگی، این ثروت‌های فرهنگی است که در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نقش مهمی دارد و در حقیقت اجتماعات اقلیت نه تنها فاقد سرمایه فرهنگی نیستند، بلکه مزایای زیادی دارند، اگرچه فاقد دسترسی به منابع طبقاتی بالا و متوسط هستند. بنابراین به جای تأکید بر محرومیت و فقر فرهنگی این نوع اجتماعات، باید بر ثروت و دارایی غنی فرهنگی این‌گونه اجتماعات توجه کرد.

1 Jimenez

2 migration capital

واقعیت آن است که تنوع فرهنگی چهره غالب جوامع انسانی و کشورهای جهان است، چنانکه جمعیت کشورهای کاملاً همگنی که از یک گروه قومی و فرهنگی تشکیل شده باشند، حدود ۴ درصد جمعیت جهان برآورده شده است. بدین‌سان تنوع و تکثر و ناهمگونی قومی قاعده عام و جهان‌شمولی در سطح دولت‌های ملی است (بشیر و فائقی، ۱۳۹۳: ۱۱). کشور ایران نیز گستره‌ی بزرگ و ارزشمندی است که هم به گواه تاریخ و هم تاریخ چندهزارساله‌اش و نیز موقعیت ممتاز جغرافیایی‌اش، منزلتی عظیم یافته و همواره مأمّن و جایگاه اقوام و مذاهب گوناگون بوده است، به‌طوری‌که زیبایی‌ها و تنوع مذاهب و اقوامش چشم همه جهانیان را خیره کرده است. این وضعیت حضور اقوام و ادیان، ضرورت دیدگاهی فرا فرهنگی در رویارویی با این تنوع فرهنگی را می‌طلبد (به نقل از قلی زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۳). به‌عبارت‌دیگر در جامعه ایرانی علی‌رغم تاریخ و فرهنگ مشترک، تفاوت و تنوع زیادی وجود دارد و اقوام و مذاهب با هم تفاوت‌هایی دارند، اما مسأله مهم این است که چطور می‌توان از تفاوت، همانندی ایجاد کرد.

بدیهی است که حفظ و بهره‌برداری از تنوع فرهنگی جامعه نیاز به سیاست‌گذاری و مدیریت صحیح دارد. مدیریت تنوع فرهنگی «تشویق و ترغیب‌گرایشی است که همه خرده‌فرهنگ‌های موجود در کشور را از منظر فرهنگ ملی، خودی می‌داند و تلاش اصلی آن معطوف به ایجاد «ما»ی مشترک است» (هاروی، ۲۰۰۶ به نقل از بشیر و فائقی، ۱۳۹۳: ۱۱)؛ لذا سیاست‌گذاری به‌راستی واقعی، آن است که بتواند به جای تفاوت‌ها بر اشتراکات تأکید کرده و از دست‌مایه‌ی متمایز شده یک وحدت قوی تولید کند. یعنی با احترام و عشق ورزیدن بر تفاوت‌ها خود را در جایی مستقر کند که گوناگونی‌ها مانع همکاری سیاسی نشود. در اینجا است که اهمیت ثروت‌های فرهنگی مشخص می‌گردد. توجه به اهمیت ثروت‌های فرهنگی ما را ملزم می‌کند که ارزش‌های سایر اجتماعات فرهنگی توجه کرده و از تعریف فرهنگی واحد به‌عنوان فرهنگ معیار، جهت قضاوت در مورد سایر فرهنگ‌ها، به جد خودداری کنیم. این امر هم به معنای توجه به گروه‌های فرودست و فاقد قدرت چانه‌زنی در داخل جوامع است، به‌طوری‌که سیاست‌های ادغام، ذوب و شبیه‌سازی فرهنگی به‌تحقیر، یکدست‌سازی و سرکوب آن‌ها منجر نشود و به هم به معنای توجه به جوامع غیر اوراسیایی و سنت‌ها و فرهنگ‌های آن‌ها و نقشی است که می‌توانند در آینده بشریت ایفا کنند مفهوم ثروت فرهنگی بیش از همه در حوزه آموزش می‌تواند مفید واقع شود و موجب شناسایی و برجسته‌سازی اشکال سرمایه‌ای شود که دانش‌آموزان خرده‌فرهنگ‌های مختلف را با خود از خانواده و اجتماع محلی به مدرسه می‌آورند. در واقع

مفهوم ثروت‌های فرهنگی موجب تعهد به انجام تحقیق و آموزش بیشتر درباره اجتماعات فرهنگی گوناگون و ساخت مدرسه‌هایی است که در خدمت مبارزه برای به دست آوردن عدالت فرهنگی و اجتماعی هستند. ثروت فرهنگی، موجب توجه به آن دانش‌هایی می‌شود که تاکنون در تحقیقات آکادمیک حذف و به حاشیه رانده شده‌اند. در عین حال تنها هدف شناسایی و فهم ثروت‌های فرهنگی اجتماعات محلی نیست، بلکه باید راه‌هایی برای عملی کردن این دانش و شناخت پیدا نمود. به عبارت دیگر باید از نظریه‌ها و مفاهیم دانشگاه زدایی کرد و دانشگاه را دوباره به جامعه پیوند داد. در عین حال در این راه شاید لازم باشد بسیاری از نهادها و مخصوصاً نهاد آموزش و پرورش را دوباره ساختاردهی کرد و آن‌ها را از نو و براساس دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها و شبکه‌های ناشی از ثروت‌های فرهنگی اجتماعات مختلف بنا نهاد.

## منابع

- بابایی، یحیی علی و باینگانی، بهمن (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی در میان جوانان (مطالعه موردی: جوانان شهرستان پاره)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره ۴، صص ۱۱۳-۸۲.
- باینگانی، بهمن و کاظمی، علی (۱۳۸۹)، بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی، نشریه برگ فرهنگ، فصلنامه برگ فرهنگ، شماره ۲۱، صص ۲۱-۸.
- بشیر، حسن و فائق، سحر (۱۳۹۳)، نگرش سنجی ارامنه نسبت به ارتباطات بین فرهنگی ارامنه و مسلمانان ساکن شهر اصفهان، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، دوره ۸، شماره ۲۰، صص ۳۸-۹.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۱)، نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیپا، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه، در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۰)، تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- بون ویتز، پاتریس (۱۳۸۹)، درس‌هایی از جامعه‌شناسی پییر بوردیو، ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفیر، تهران، نشر آگه.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، پییر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- چاوشیان تبریزی، حسن (۱۳۸۱)، «سبک زندگی و هویت اجتماعی (مصرف و انتخاب‌های ذوقی به‌عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته)»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خدری، فتاح (۱۳۸۸)، عوامل موثر بر مصرف فرهنگی با تأکید بر موسیقی (مطالعه موردی جوانان شهر سقز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- دهقان حسین، مهدی سراجیان مروارید (۱۳۹۶)، رابطه سرمایه اجتماعی خانوادگی و مشارکت والدین در امور مدرسه با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه علمی - پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۴ (۳): ۷-۲۸.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۴)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات عطار.
- شارع پور، محمود - خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۱)، رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان: مطالعه موردی شهر تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۱۴۷-۱۳۳.
- شویره، کریستیان - فونتن، اولیویه (۱۳۸۵)، "واژگان پییر بوردیو"، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، نشر نی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم، انتشارات صبح صادق.

- قلی زاده، آذر، کشتی آرای، نرگس و سهرابی رنایی، مریم (۱۳۹۰)، مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی پاسخی به مطالبات دانش آموزان اقلیت‌های قومی و مذهبی، در فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۳۵.
- وینگر، الیوت. بی و لیروا، آنت (۱۳۹۳)، سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی، ترجمه بهمن باینگانی و هیرو قاسمی معصوم، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره هفدهم، شماره ۲، صص ۴۸-۵۱.
- Alcorta, L., Smits, J., Swedlund, H.J. et al (2020). The 'Dark Side' of Social Capital: A Cross-National Examination of the Relationship Between Social Capital and Violence in Africa. *Soc Indic Res*.
- Doran, E., Hengesteg, P. (2020) Ascending Toward New Heights: Building Navigational Capital for Latinx Community College Students. *Journal of the First-Year Experience & Students in Transition*, Volume 32, Number 1, pp. 29-41(13).
- Goldthorpe, John H. (2007). "Cultural Capital": Some Critical observations" *Sociologica*. Società editrice il Mulino, Bologna.
- Grenfell, Michael (2004), *Pierre Bourdieu Agent Provocateur*, London, Continuum.
- Hiraldo, Payne (2010), *the Role of Critical Race Theory in Higher Education*, the Vermont Connection, Vol.31, pp: 53-59.
- Huang, Xiaowei (2019), *Understanding Bourdieu-Cultural Capital and Habitus*, *Review of European Studies*; Vol. 11, No. 3. PP. 45-49
- Jiménez, R.M. (2019). *Community cultural wealth pedagogies: Cultivating autoethnographic counternarratives and migration capital*. *American Educational Research Journal*. Advance online publication. <https://doi.org/10.3102/0002831219866148>
- Lizardo, Omar (2011), *Pierre Bourdieu as a Post-Cultural Theorist*, *Cultural Sociology*, No.5, pp.25-44.
- Luna, Nora A. and Martinez, Magdalena Ph.D. (2013) "A Qualitative Study Using Community Cultural Wealth to Understand the Educational Experiences of Latino College Students," *Journal of Praxis in Multicultural Education*: Vol. 7: No. 1, Article 2. DOI: 10.9741/2161-2978.1045.
- Oliver, Melvin. L. & Shapiro, Thomas M. (1997), *Black Wealth/White Wealth: A New Perspective on Racial Inequality*, London, Rutledge.
- Saraceno, Chiara (2014), *Do we need capital account for culture?* Paper presented at the Joint IEA/ISI Strategic Forum 2014 and Workshop of the High-Level Expert Group on the Measurement of Economic Performance and Social Progress on Intra-generational and Inter-Generational Sustainability, Rome, 22-23.
- Storberg, Jula (2002), *the Evolution of Capital Theory: A Critique of a Theory of Social Capital and Implications for HRD*, *Human Resource Development Review*; 1; 468.
- Williams, Sheara A. & Dawson, Beverly Araujo (2011), *the Effects of Familial Capital on the Academic Achievement of Elementary Latino/a Students*, *Families in society: the journal of contemporary human services*, Vol.92, Issue: 1, PP: 91-98
- Gofen, Anat (2009), *Family capital: How first-Generation Higher Education Students Break the Intergenerational Cycle*, *Family Relations* 58: 104-120.

- Yosso, Tara J. (2005), whose culture has capital? A critical race theory discussion of community cultural wealth, *Race Ethnicity and Education*, Vol. 8, No. 1, March 2005, pp. 69-91.